



نظریه انتظار مسلمانان در دعای غیبت و کلام مرحوم دولابی

نظریه «انتظار مسلمانان» که در دعای غیبت و در تحلیل مرحوم دولابی آشکارا بیان شده است تصور مشهور از انتظار که تعجیل را در خود دارد دگرگون می کند.

نظریه انتظار مسلمانان؛ که در دعای غیبت و در تحلیل مرحوم دولابی آشکارا بیان شده است تصور مشهور از انتظار که تعجیل را در خود دارد دگرگون می کند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-رضاکریمی: دعای غیبت از ادعیه معرفت بخشی است که با درخواست معرفت آغاز می شود و اولین درخواست هم معرفت خود خداست. به عبارت دیگر ما از امام به خدا نمی رسیم بلکه از خدا به امام؛ در ادامه هم می فهمیم که برای تثبیت و باقی ماندن بر دین، معرفت به امام بعد از معرفت خدا و رسول ضروری است و گرنه مرگ جاهلی در انتظار ماست!

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ
اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ
اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

دعای سه مرحله ای غیبت اینجا به یک پایان اولیه می رسد و برخی این دعا را تا اینجا بیان کرده اند اما در روایات دیگر دعا مفصلاً ادامه پیدا می کند و راز بزرگی از انتظار در زمان غیبت را تبیین می کند:

اللَّهُمَّ لَا تُمَيِّنِي مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً وَلَا تُزَعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي

بعد از این درخواست در ادامه اسامی دوازده امام تا قائم بیان می شود؛ گویی که این ذوات مصداق تثبیت بر دین (و آیه و لَا تُزَعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي) هستند.

بر این اساس، دعا ادامه پیدا می کند و می بینیم که در زمانه غیبت دعای ما این است که بر دین و طاعت او باقی بمانیم:

اللَّهُمَّ قَتِّئْنِي عَلَى دِينِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَلِيْنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ

اما تثبیت چگونه ممکن است؟ این کار با توحید ناب (تسلیم) ممکن است و نباید تعجیل کرد و اذن الهی لازم است و حتی خود امام زمان هم منتظر است:

وَتَبَيَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ وَيَاذِيكَ غَابَ عَن بَرِّيَّتِكَ وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ

مهم ترین عامل فرج این است که کار را کاملاً در قدرت و صلاح خدا بدانیم و بگوییم:

وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيَّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ يَاطْهَارُ أَمْرُهُ وَ كُشِفَ سِتْرُهُ

تو ای خدا به ذات خود بی؛ تعلم دانایی که چه هنگامی مصلحت در اذن به ظهور امر سلطنت الهیه اوست و پرده از جمال او برداشتن چه وقت صلاح عالم است

قَصِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُجِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُحْرِتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا كُشِفَ مَا سَتَرْتَ وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ

پس ای خدا مرا صبر و شکیبایی ده در امر غیبت آن حضرت که آنچه را تو تأخیرش خواهی من تعجیل آن نخواهم و آنچه تو تعجیل آن خواهی من تأخیرش نطلبم و آنچه تو مستور میداری کشف آن نخواهم و آنچه امر بکتمان و نهان داشتن فرمودی بحث در آن نکنم

وَلَا تُتَارَعَكَ فِي تَذْيِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَطْهَرُ

با فهم این حقیقت است که دعای غیبت به مرحله بعد می رسد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ

چگونه می توان ولی امر را دید ودعای رؤیت چطور مستجاب می شود؟

مَعَ عِلْمِي يَا أَبَا لَكَ السُّلْطَانِ وَالْقُدْرَةِ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيَّةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ

نظر واضح به ولی امر زمانی میسر می شود که علم به اینکه «قدرت و همه چیزها برای خداست»؛ در مؤمنین پیاده شود، آن وقت می توان طلب رؤیت داشت:

قَافِلٌ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى تَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ وَاضِحَ الدَّلَالَةِ هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ

و بعد از این دعاست که تقاضای مشاهده مفصل تر ادامه پیدا می کند و برای امام و علیه دشمنان او دعا می شود...

نظریه مرحوم دولابی درباره انتظار بیش از هر چیز در این دعا آشکار است. او معتقد است انتظار درجاتی دارد و چنانچه در این دعا آمده منتظر واقعی نباید به دنبال تعجیل باشد (لَا أُحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أُحْزِنْتُ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتُ)؛ طلب تعجیل ظهور برای افراد مبتدی خوب است، ولی بالاتر از آن هم هست و آن وقتی است که از تقلای خودت مایوس شدی و در خانه نشستی و چشم و گوش به در ماندی. از آن بالاتر وقتی است که منتظر در هم نیستی و از آن هم مایوس شدی. چنین فردی خود حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه»؛ پهلویش نشسته و اند و همه ی ملائکه نگاهش می کنند.

دولابی معتقد بود که ما سه دسته منتظر داریم:

۱) کسی که از دور زیاد یاد امام می کند و انتظار دیدار او را می کشد تا علائم و آثاری از امامش ببیند، که فرموده و اند: «افضل الاعمال انتظار الفرج»؛ برترین کارها انتظار فرج است.

۲) کسی که آثار و جای پا و جلوه و ای از امام را دیده است، که فرموده و اند: «فان ذلک فرجکم»؛ پس به درستی که فرج امام زمان «عجل الله تعالی فرجه»؛ فرج خود شماست، یعنی انتظار و دعا کردن برای خود شما فرج و گشایش می آورد.

۳) اگر انتظار کامل شود و محبت به حد کمال برسد، طوری می شود که حضرت را در ظاهر ببیند یا نبیند، در یقین او اثر ندارد، بلکه در همه وقت با قلب خود مشاهده می کند. مثل پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» و اویس قرنی که به ظاهر اصلاً یکدیگر را ندیدند؛ اما هرگز از هم جدا نبودند.

امام سجاد «علیه السلام»؛ می فرماید: «ان اهل زمان غیبه افضل اهل کل زمان، لان الله آتاهم من العقل و الفهم و المعرفة حتی صارت الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة»؛ منتظران واقعی در زمان غیبت، برتر از مردم تمامی زمانها هستند.

اینجاست که نظریه انتظار دولابی، که نظریه تسلیم است، ضد تعجیل است؛ کسی که غیبت و ظهور حضرت حجت «علیه السلام»؛ برایش یکسان باشد، به حضرت راه پیدا می کند. تا وقتی شخص می خواهد حضرت بیاید و پدر آدمهای بد را در بیاورند و انتقام از ظالمین بکشند، از دیدن حضرت خبری نیست. هر وقت عبد و تسلیم شدی و فاعلیت خدا را در همه ی حوادث دیدی و به آن تن دادی، آن وقت برای ملاقات با حجت خدا آماده شده ای.

در واقع نظریه «انتظار مسلمان»؛ که در دعای غیبت و در تحلیل مرحوم دولابی آشکارا بیان شده است تصور مشهور از انتظار که تعجیل را در خود دارد دگرگون می کند. کسانی مانند مرحوم دکتر شریعتی که انتظار را مکتب

اعتراض می دانستند متوجه این نکته مهم نشده بودند که لازمه تغییر وضع موجود تسلیم است و تغییر و اعتراض باید با روح تسلیم هماهنگ باشند.
اکنون می توان معنای این روایت را عمیق تر فهمید: کذب الوقاتون هلك المستعجلون‍ نجا المسلمون.